

بررسی و واکاوی نقش اشتغال زنان در اقتصاد خانوارهای روستایی مطالعه موردی: بخش باجگیران شهرستان قوچان

احمد رومیانی^۱، بهناز قاسمی راد^۲، الیاس چهارازی^۳

چکیده

توجه به روستاییان به ویژه زنان روستایی می‌تواند نقش مهمی در فرایند رشد اقتصادی ایفا کنند و هر کشوری برای رسیدن به مرحله رشد و توسعه نیازمند ساماندهی و برنامه‌ریزی در بخش فعالیت اقتصاد روستایی است. لذا توجه به کارکردهای مختلف آنان در جامعه روستایی ضرورت می‌یابد. هدف از این پژوهش بررسی اثرات اشتغال زنان روستایی بخش باجگیران شهرستان قوچان بر روی درآمد و اقتصاد خانوارها و نمایاندن جنبه‌های پنهان اشتغال آنان می‌باشد. تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش از نوع توصیفی-همبستگی و از حیث گردآوری اطلاعات، ترکیبی از روش میدانی و اسنادی است. محدوده مورد مطالعه دارای ۱۲۲۲ خانوار می‌باشد که براساس فرمول کوکران ۲۹۲ خانوار به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. پایایی مقیاس اصلی تحقیق با آمار آلفای کرونباخ سنجیده شد، که مقدار آن برای هر بخش پرسش‌نامه به ترتیب برای بخش اول ۰/۷۶، درصد، بخش دوم ۰/۸۶، درصد، بخش سوم ۰/۷۴، به دست آمده است، که حاکی از اعتبار مناسب ابزار تحقیق برای بررسی موضوع مورد مطالعه می‌باشد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های آماری نمایانگر وجود همبستگی مثبت و معنادار بین اشتغال زنان و افزایش درآمد خانوار، اشتغال زنان با میزان خوداتکایی اقتصادی خانوار، اشتغال زنان و ویژگی‌های فردی و اجتماعی وجود داد و نمایانگر حضور بیشتر زنان در بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌هاست. بنابراین در کل بررسی مولفه مورد مطالعه در منطقه نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین شاخص استفاده

Email:roumiani.ah@mail.um.ac.ir

^۱ - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

^۲ - کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

^۳ - کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی

شده وجود داد لزوم توجه جدی و اهمیت بیشتر به زنان در برنامه‌ریزی‌ها و تجدید نظر در ارائه آمار مربوط به اشتغال و مشارکت زنان روستایی را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: اشتغال، زنان روستایی، اقتصاد خانوار، خوداتکایی اقتصادی. : بخش باجگیران

مقدمه

تحقق پیشرفت و توسعه کشورها مستلزم بهره‌گیری از استعداد و توان و حضور چشمگیر مردم و مشارکت آن‌ها در مراحل توسعه است؛ به طوری که توسعه و مشارکت را اموری در هم تنیده دانسته‌اند، و فرآیند توسعه را وقتی با ثبات و موفقیت همراه می‌دانند که با افزایش مشارکت مردم توأم باشد (مقنی‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۴۲). تجربه تاریخی فرآیند توسعه در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته، این امر را روشن ساخته که توسعه روستایی یک ضرورت بنیادی برای توسعه ملی است و می‌بایست در اولویت برنامه‌های توسعه‌ای قرار گیرد (شکوری، ۱۳۸۰: ۲۶). از طرفی، چرخه اقتصاد هر جامعه محور اساسی آن جامعه را تشکیل می‌دهد که دارای توان و حرکتی متعادل و هماهنگ باشد که از سوی نیروی انسانی هدایت شود (وثوقی، ۱۳۸۴: ۶۴). بنابراین در همه جوامع، نیروی کار از مهمترین عوامل تولید به شمار می‌رود و درآمد حاصل از آن همیشه بخش بزرگی از درآمد ملی هر کشور را تشکیل می‌دهد. نظر به این که جوامع مختلف در زمان رشد سریع اقتصادی به نیروی کار نیاز دارند و زنان نیز نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، جمعیت زنان باید بخشی از نیروی کار مورد نیاز جامعه را تأمین کنند (فرجی سبکبار، هاجری، ترابی و ملایی، ۱۳۹۵: ۱۸). در واقع زنان روستایی می‌توانند با کسب آموزش در جهات مختلف، از جمله حرفه، در بالا بردن سطح تولید و بهره‌وری بیشتر موجب رشد و توسعه اقتصاد روستایی شوند. لذا لازم است که از زنان به عنوان نیمی از نیروی فعال جامعه یاد کرد و باید در برنامه‌های توسعه از سهم مادی و معنوی هم سنگ با نقش شان برخوردار باشند، اما از نظر اشتغال، کسب درآمد، برخورداری از تحصیلات و احراز مقام‌های اجتماعی هنوز در سطوح پایینی قرار دارند. براساس گزارش بانک جهانی پنجاه درصد نیروی کار کشاورزی جهان در اختیار زنان قرار دارد و آنان مسئول آماده کردن غذای دوسوم جمعیت جهان هستند و این در حالی است که به دلایل فرهنگی و حقوقی، زنان

دسترسی و کنترل محدودی بر منابع دارند و تنها ۵ درصد از زنان روستایی از خدمات ارائه شده در سطح روستا استفاده می‌کنند (روشن‌نیا، خادمی، کردیو صاچی فام اصل، ۱۳۸۴: ۸۲).

با توجه به بررسی‌هایی که در زمینه مشارکت زنان در امور جامعه انجام گرفته، نشان داده شده است که عوامل اجتماعی، فرهنگی و انتظارات متفاوت جامعه از مردان و زنان، موانع مهمی بر سر راه مشارکت زنان است، از این رو در دهه - ۱۹۸۰ به جای اصطلاح زن در توسعه، اصطلاح "جنسیت در توسعه" به کار گرفته شد و در پی آن، در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه و برطرف شدن این موانع اتخاذ گردید. یکی از این راهبردها توجه به منافع اقتصادی زنان با تاکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفاً به مفهوم بهره مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نیست؛ بلکه آنان باید در اجرای برنامه‌ها و طرحهای توسعه اقتصادی مشارکت فعالانه داشته باشند (کریم زاده و همکاران ۱۳۹۵: ۶۰). بدین جهت در این گستره، اهمیت حضور زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه نمایان می‌شود و چنین به نظر می‌رسد که اگر حضور زنان کم‌رنگ باشد، موقعیت اقتصادی جامعه متزلزل شود. زنان روستایی نیز به عنوان قشری از زنان زحمت کش که همواره در توسعه و تأثیرگذاری در بخش- های مختلف نقش موثری داشته اند از این قاعده مستثنی نیستند. ماهیت کار زن روستایی با کار زن در سایر بخش‌ها تفاوت کلی دارد، زیرا هم از لحاظ نحوه عرضه کار و هم از لحاظ میزان و تعداد ساعات کار و کیفیت و همچنین به دلیل مرارت‌ها و مشکلات دارای آن‌چنان ویژگی‌هایی است که قابل مقایسه با کارهای صنعتی یا خدماتی نمی‌باشد (وثوقی، ۱۳۸۴: ۶۴). همچنین از دیدگاه توسعه انسانی نیز "برابری به معنای دسترسی برابر به فرصت‌ها" یکی از اصول چهارگانه آن همراه با سه اصل پایداری، بهره‌وری و توانمندسازی نیز همین موضوع را بیان می‌کند (برنامه سازمان توسعه ملل متحد^۱، ۲۰۰۷: ۳۲۱). در عرصه جهانی، نرخ مشارکت اقتصادی مردان ۶۵ الی ۷۰ درصد و زنان حدود ۴۵ درصد است که این میزان در کشور ما برای مردان حدود ۶۲ درصد، اما برای زنان این میزان بسیار

^۱- United Nations Development Programme

پایین تر و در حدود ۱۷ درصد است (علی حسینی و نظری، ۱۳۹۵: ۱۵). ایران از لحاظ شاخص توسعه جنسیتی ۰/۷۱۹ و رتبه ۷۸ در جهان را داراست (سازمان جهان کار^۱، ۱۹۷۶: ۲۹۰). بنابراین بر این اساس، کم توجهی سازمان‌ها و مراکز متولی تهیه آمارهای رسمی و در نظر گرفتن زنان روستایی به عنوان جمعیت غیرشاغل و خانه-دار، موجب پنهان ماندن نقش زنان در اقتصاد خانوار و به تبع آن توسعه روستایی و کشاورزی گردیده است (لهسایی زاده، ۱۳۷۵، ص ۴۷). از طرفی نگرش مردان روستایی نسبت به زنان همراه با تحقیر و توهین و یا تبعیض جنسی در افراد جامعه نسبت به مسائل اقتصاد زنان زمینه برای یک نوع سردرگمی و احساس بی‌هویتی و ناامنی در آنان مهیا می‌کند (خانی و چوپچیان، ۱۳۸۹: ۱۳۹). از طرفی نبود باور در جامعه روستایی به نقش‌ها کلیدی زنان و بی‌توجهی دست‌اندرکاران برنامه‌های توسعه نسبت به روابط و مناسبات جنسیتی موجب می‌شود که در اغلب این کشورها زنان روستایی عناصری حاشیه‌ای، غیرفعال و غیرمولد به حساب آمده، در برخورداری از آموزش‌های نوین، توزیع عادلانه درآمد، ارتباط با بازار کار و در یک کلام، در مشارکت و تصمیم‌گیری در سطوح خرد و کلان، همچنان در حاشیه قرار گیرند (همان، ۱۳۹۰).

از آن جهت که، ابعاد کارکردهای اقتصادی مناطق روستایی کشور با توجه به شرایط محیط طبیعی، نوع بهره‌برداری از امکانات و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت است، از این رو در هر منطقه نقش‌آفرینی زنان نیز در ابعاد اقتصادی با تأثیرگذاری از عوامل مختلف خواهد بود، لذا هدف از این پژوهش نیز بررسی نقش اشتغال زنان در اقتصاد خانوارهای روستایی و اثراتی که زنان بعنوان یک بخشی از جامعه در اقتصاد ایفا می‌کنند، می‌باشد. و به دنبال پاسخگویی به این سوالات می‌باشد ۱- جنبه‌های اشتغال زنان که به طور غیرمستقیم در اقتصاد خانوارهای روستایی موثر است چه می‌باشد؟ مشارکت زنان در کدام بخش‌های اقتصادی گسترده‌تر می‌باشد و علت آن چیست؟ آنان تا چه میزان در درآمدزایی و خوداتکایی اقتصاد خانوارهای روستایی نقش دارند؟

¹-International Labour Organization

پيشينه تحقيق

هاشمي (۱۳۷۴) در پژوهش خود به اين نتايج رسيد و اظهار مي کند که با وجود نقش مهم و اساسي زنان روستايي در توليد قالي، ميزان مشارکت آنها در تصميم گيريهای مربوط به مصرف درآمد حاصل از فروش قاليها بسيار ناچيز است؛ به طوريکه در ۷۵ درصد از خانواده های روستايي، مردان در اين مورد به تنهائي تصميم مي گيرند و فقط در ۲۵ درصد از خانوارها، زنان نقش بيشترى در چگونگي مصرف درآمد حاصل از فروش قاليهاي بافت خودشان را دارند. در ۷ درصد از اين خانوادها نيز زن و مرد به طور مشترک دربارهي مصرف درآمد به دست آمده از فروش قاليها، تصميم گيري مي کنند.

طبق مطالعات کلاتري (۱۳۸۲) و قليپور و رحيميانروز (۱۳۸۸)، بروز خوداتکايي مالي در زنان روستايي به عنوان يکي از اثرات و پيامدهای کسب و کارهای اقتصادي، انگيزه ي آنان را براي تداوم اشتغال مؤثر و مفيد در کسب و کار افزايش داده و در نتيجه کارکردهای شغلي آنان در جهت خدمت به خانواده، اجتماع روستايي و حتي جامعه ي شهري افزايش مي يابد و به تبع آن به طور مستقيم و غيرمستقيم به رشد اقتصادي جامعه کمک مي نمايد. البته براساس مطالعات انجام شده، زباني که مهارتهای درآمدزا دارند، در مقايسه با زنان ديگر از کيفيت زندگي بالاتري برخوردارند (يعقوبي فراني، و جليليان، ۱۳۹۳، ص. ۹۷).

لاريجاني و شعباني نژاد (۱۳۸۹)، در پژوهشي به بررسي نقش کسب و کارهای خانگي زنان پرداختند؛ نتايج نشان داد که رابطهای مثبت و مستقيم بين موقعيت زنان و توسعه يافتگي کشور وجود دارد و مشارکت زنان به عنوان نيمي از نيروهای فعال جامعه در فعاليتهاي اقتصادي به تحقق توسعه و عدالت اجتماعي منجر مي شود.

توسلي و سعیدی (۱۳۹۰)، در تحقيق خود نشان داد که ميزان دسترسي زن و مرد به منابعي همچون درآمد و تحصيلات ميتواند اقتدار به نفع هر يک از آنها را در خانواده افزايش دهد. همچنين مشارکت زنان در تأمين مخارج خانواده مي تواند اقتدار به نفع زن را در خانواده افزايش دهد

احمدی و روستا (۱۳۹۰) در مطالعه خود رابطه بین جنسیت و فرهنگ کار را بررسی کردند. یافته‌های تحلیلی پژوهش آنها نشان داد که بین جنسیت و فرهنگ کار تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بررسی رابطه جنسیت با هر یک از ابعاد فرهنگ کار نشان می‌دهد که زنان در مقایسه با مردان همکاری گروهی بیشتری دارند.

عباسیان و همکاران (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان انجام داده‌اند. نتایج به دست آمده نشان داد که با وجود پیشرفت‌های نسبی طی دهه‌های گذشته، میزان فعالیت و اشتغال زنان در استان نسبت به مردان استان و زنان استانهای دیگر پایینتر است.

تاج و هاشمی (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به این نتایج رسیدند که شناخت توان‌های اقتصادی زنان روستایی و تلاش برای افزایش میزان مشارکت اقتصادی آنان در درآمد خانوار از طریق پروژه‌ها و ارتقاء کمی و کیفی سطح زندگی از طریق یک برنامه اصولی - آموزشی از مهم‌ترین پیشنهادهای اصلی این تحقیق می‌باشد. نوری و همکاران (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان تحلیل فضایی شاخصهای عمده اشتغال زنان در کشور به این نتیجه رسیدند که میزان بهره‌مندی از شاخصهای اشتغال زنان در مناطق شمال غرب و شمال شرق ایران مطلوبتر و در مناطق مرکزی (به استثناء استان اصفهان) و جنوبی (جنوب، جنوب شرق و جنوب غرب) کشور وضعیت نامطلوبی دارد.

کریمی موغاری و همکاران (۱۳۹۲) به پژوهشی با عنوان عوامل اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران پرداختند. که نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در دوره مورد بررسی افزایش درجه توسعه یافتگی کشور و بالارفتن سطح تحصیلات زنان، بیشترین تاثیر را در افزایش سهم زنان در نیروی کار داشته است.

روش تحقیق

روش تحقیق از جنبه هدف، کاربردی و از نوع تحقیقات توصیفی - همبستگی است، زیرا علاوه بر شناخت و توصیف وضعیت موجود و اهمیت نقش اقتصادی زنان، به دنبال بررسی روابط و آثار نقش‌ها نیز می‌باشد. از حیث جمع‌آوری

اطلاعات ترکیبی از دو روش میدانی (پرسشنامه، مشاهده) و اسنادی بهره گرفته شده است. در این پژوهش به منظور جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته صورت استفاده شد. ابتدا از طریق بررسی متن در زمینه پایه های نظریه موضوع پژوهش، شاخص های مختلف گردآوری شده و براساس محتوای موضوع، پرسشنامه اولیه طراحی شده است، اعتبار صوری و محتوای پرسشنامه توسط تعدادی از استاتید و صاحب نظران تایید و به منظور سنجش پایایی پرسشنامه استفاده شده است. برای تعیین اعتبار پرسشنامه، تعداد ۳۰ پرسشنامه بین زنان روستایی توزیع گردید و ضریب آلفای کرونباخ برای بندهای مختلف پرسشنامه به ترتیب در بخش مربوط به میزان فعالیت در بخش های مختلف اقتصادی ۰/۷۶، میزان خوداتکایی اقتصادی ۰/۸۶، و سایر موارد مربوط به اشتغال زنان ۰/۷۴ به دست آمده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی نمونه گرفته شده از روستاهای بخش باجگیران شهرستان قوچان

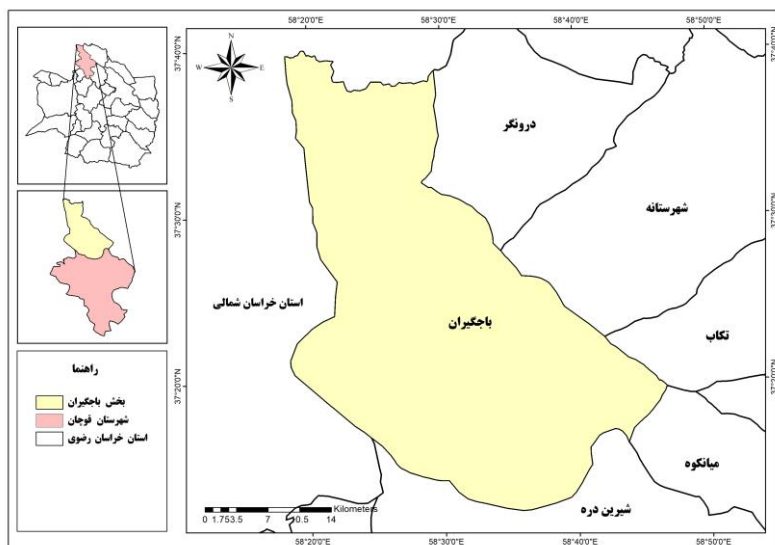
شماره	نام روستا	کل خانوار	حجم نمونه
۱	جوزان	۱۷۶	۴۲
۲	رهورد	۱۳۲	۳۲
۳	بردر	۱۵۵	۳۷
۴	شاهرگ	۲۵۰	۶۰
۵	دربادام	۹۰	۲۲
۶	قرجقه	۵۱	۱۲
۷	اینچه ساپلا	۹۱	۲۲
۸	حمزه کانلو	۲۱	۷
۹	شیخکالو	۳۱	۱۱
۱۰	اسلام آباد	۱۵۴	۳۷
۱۱	اسیلاغ	۲۱	۵
۱۲	کلاته حاجی	۵۰	۱۲
-	جمع	۱۲۲۲	۲۹۲

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۷

پس از جمع آوری اطلاعات، کار تجزیه تحلیل اطلاعات توسط نرم افزار SPSS انجام گردید و از آزمون های t مستقل، همبستگی پیرسون و اسپیرمن جهت تحلیل -

های استنباطی استفاده گردید. جامعه آماری مورد مطالعه شامل زنان خانوار (زنان متأهل) ساکن بخش باجگیران شهرستان قوچان و روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی استفاده شد. به طوری که تعداد آنها بالغ بر ۱۲۲۲ خانوار در نظر گرفته شده است که با استفاده از فرمول کوکران و با خطای ۰/۵ درصد ۲۹۲ نمونه پرسشنامه محاسبه شد و بخاطر رند بود تعداد پرسشنامه ۲۹۹ پرسشنامه به صورت تصادفی بین خانوارهای روستایی توزیع و پخش گردیده است. واحد تحلیل در مطالعه نیز سرپرست های خانواره بوده است.

بخش باجگیران یکی از بخش‌های دوگانه شهرستان قوچان در استان خراسان رضوی می باشد. مساحت این بخش حدود ۱۲۳۳/۴۳ کیلومترمربع است (دفتر سیاسی فرمانداری قوچان، ۱۳۸۵: ۱۸). و در حد فاصل عرض جغرافیایی ۳۷/۱۲/۸ تا ۳۷/۴۰/۹ شمالی و ۵۸/۱۲/۲ تا ۵۸/۲۵/۴۶ طول شرقی قرار گرفته است که طول متوسط آن از عرض متوسط آن بیش تر است. این بخش از شمال به جمهوری ترکمنستان، از غرب به شهرستان شیروان از جنوب و جنوب غربی به بخش‌های مرکزی و فاروج و شهرستان قوچان و از شرق به شهرستان درگز محدود می‌شود.



شکل (۱): نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه

یافته‌های تحقیق

یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که ۳۰ درصد از زنان مورد مطالعه در رده سنی ۳۶-۴۵ سالگی قرار داشته‌اند و بیشترین تعداد فراوانی را به خود اختصاص داده بودند. با توجه به میانگین سنی (۴۰/۸ سال) زنان جامعه مورد نظر می‌توان گفت که اغلب زنان مورد مطالعه که به نوعی فعالیت اقتصادی دارند تقریباً در سن میان‌سالی بوده و نیروی فعال و چشم‌گیری می‌باشند.

جدول ۲. ساختار سنی زنان روستایی

سن	فراوانی	درصد
از ۱۶ تا ۲۵ سال	۳۲	۱۰
از ۲۶ تا ۳۵ سال	۷۹	۲۷
از ۳۶ تا ۴۵ سال	۸۹	۳۰
از ۴۶ تا ۵۵ سال	۶۵	۲۲
از ۵۶ تا ۶۵ سال	۳۱	۱۰
از ۶۶ تا ۷۵ سال	۳	۱
جمع کل	۲۹۹	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

یافته‌های حاصل از آمار توصیفی نشان داد که ۵۳ درصد (۱۵۷ نفر) از افراد نمونه بی‌سواد و در حدود ۴۷ درصد (۱۴۰ نفر) آنان باسواد می‌باشند. که در این میان میزان تحصیلات تمام باسوادان جامعه نمونه در سطح ابتدایی بوده است و در مقاطع بالاتر تحصیلی هیچ موردی وجود ندارد، که این امر به دلیل نبود مدرسه راهنمایی و بالاتر در روستاهای این منطقه است و برای ادامه تحصیل باید به شهر باجگیران بروند، که این امر در مورد زنان کمتر اتفاق می‌افتد. بررسی وضعیت تکفل زنان جامعه نمونه تحقیق حاکی از آن است که سرپرستی ۹۵ درصد از خانوارهای جامعه مورد نظر به عهده مردان و سرپرستی ۵ درصد آن‌ها به عهده زنان می‌باشد. که این امر بیانگر مشارکت و اشتغال زنان سرپرست خانوار در اقتصاد خانوار است. به عبارت دیگر شاید بتوان گفت که زنان سرپرست خانوار به علت به دوش کشیدن مسئولیت زندگی مجبور به تأمین درآمد برای خانواده و صرف وقت

بیشتری در این زمینه می‌باشد. از نظر بعد خانوار، میانگین و میانه تعداد فرزندان زنان روستایی به ترتیب برابر $\frac{3}{8}$ و ۴ می‌باشد. نیمی از جمعیت خانوارها بالای ۴ نفر و نیمی پایین‌تر از ۴ نفر جمعیت دارد. که طبق بررسی‌های به دست آمده، زنان در خانوارهای بالای جمعیتی مشارکت بیشتری برای تأمین معاش دارند.

بررسی وضعیت شغل همسران زنان خانوار در جدول ۳ نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی اشتغال مردان سرپرست خانوار به ترتیب در کارگری، دامداری، خدمات، زراعت و باغداری بوده است. شاید بتوان یکی از دلایل بیشترین درصد کارگری را در نبود زمین کافی برای کشت و مالکیت کم خانوارها در داشتن زمین کشاورزی دانست. هم‌چنین دلیل اصلی داشتن شغل‌هایی مثل دامداری را نیز می‌توان در آب و هوای مساعد و کوهستانی بودن منطقه برای پرورش دام دانست، که بیش‌ترین اشتغال مردم این منطقه در این مورد است.

جدول ۳. جدول فراوانی شغل همسران زنان روستایی

درصد	فراوانی	شغل همسر
۱۴	۳۷	دامداری
۹	۲۲	زراعت
۹	۲۲	باغداری
۴۲	۱۱۰	کارگری
۱۳	۳۴	خدمات
۱۳	۳۵	سایر موارد
۱۰۰	۲۶۰	جمع

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

در خصوص عضویت خانوارهای روستایی در سازمان‌های حمایتی، نتایج نشان می‌دهد که بیش‌ترین فراوانی عضویت در کمیته امداد با ۳۱ درصد (۸۵ خانوار) می‌باشد که نشان دهنده‌ی پوشش بیشتر این نهاد در روستاها به دلیل فقر خانواده‌های روستایی و هم‌چنین پیری و از کارافتادگی سرپرست‌های خانوار جامعه نمونه پژوهش می‌باشد، که مشمول شرایط کمیته امداد می‌باشند. برطبق جدول ۴،

وضعیت فعالیت زنان در هر یک از زیر بخش های کشاورزی حاکی از آن است که بیشترین تعداد زنان در دامداری (۱۶۱ نفر)، با میانگین تعداد ساعت ۴/۴۸ در طی روز فعالیت می کنند. که شاید بتوان دلیل آنرا معیشت غالب این منطقه (دامداری) و همینطور تبعیت از شغل همسر و کمک به او بیان کرد. در سایر موارد نیز به همین دلیل، باغداری با ۹۷ نفر، میانگین تعداد ساعت ۷/۴۳ ساعت و زراعت با میانگین تعداد ساعت ۶/۵۶ ساعت در طی روز است.

جدول ۴. تعداد افراد فعال در بخش های کشاورزی و میانگین تعداد ساعت فعالیت هر زن

بخش های کشاورزی	تعداد افراد فعال	میانگین تعداد ساعت فعالیت هر زن در طول دوره فعالیت
زراعت	۶۱	۶/۵۶
دامداری	۱۶۱	۴/۴۸
باغداری	۹۷	۷/۴۳
پرورش ماهی	۰	۰
سایر موارد	۰	۰

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۷

بررسی وضعیت اشتغال زنان در بخش صنایع که عمدتاً صنایع دستی می باشد، نشان می دهد که تنها ۸ نفر از جامعه نمونه در منزل قالی بافی و ۷ نفر گلیم و جاجیم می بافند. دلیل این امر را شاید بتوان، عدم حمایت دولت از صنایع دستی و فراهم آوردن دار قالی برای زنان و همینطور صرف وقت بسیار (حدود ۱۲ ساعت در روز) و درآمد پایین از این امر است.

جدول ۵. تعداد زنان فعال در صنایع دستی و میانگین تعداد ساعت فعالیت هر زن و میانگین متر از بافت

صنایع دستی	تعداد افراد فعال	میانگین تعداد ساعت فعالیت هر فرد	میانگین متر از بافت
قالی بافی	۸	۶/۸۸	۱۲/۲۹
گلیم و جاجیم	۷	۴	۵

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۷

فعالیت اقتصادی در بخش خدمات که بخش اصلی اشتغال رسمی زنان محسوب می‌شود و مستقیماً برای خانوار ایجاد درآمد می‌کند؛ شامل کارگری در بخش کشاورزی با ۹۵ نفر (با میانگین فعالیت ۶ ماه در سال برای باغداری و ۴ ماه در سال برای زراعت)، کارگری در بخش‌های تولیدی (مانند قالی‌بافی و امثال آن) با ۵۴ نفر، کار دولتی با ۴ نفر، و ۴۷ نفر هم در سایر موارد مشغول به کارند. علت اصلی کارگری در بخش کشاورزی را می‌توان معیشت غالب روستا، کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن دانست و هم‌چنین خانواده‌هایی که خود مالک زمین نیستند، معمولاً در زمین‌های دیگران در فصل خاص آن مشغول به کار می‌شوند. نتایج بصورت کلی در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۶. تعداد افراد فعال در بخش خدمات و میانگین تعداد ساعت فعالیت هر فرد و میانگین درآمد سالانه

خدمات	تعداد افراد فعال	میانگین تعداد ساعت فعالیت هر فرد	میانگین درآمد در دوره فعالیت (تومان)
کارگری در بخش کشاورزی	۹۵	۸/۱۷	۱۳۵۸۷۱۱
کارگری در بخش‌های تولیدی	۵۴	۹/۵۶	۳۶۵۰۰۰۰
کار دولتی	۴	۷/۵	۱۵۸۰۰۰۰
سایر	۴۷	۶/۱۳	۱۷۰۴۵۸۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

بر طبق اطلاعات به دست آمده دلیل اصلی اشتغال ۴۷ درصد (۱۰۰ نفر) از زنان در بخش مزد بگیر میل شخصی، ۲۷ درصد (۵۸ نفر) وضعیت بد مالی، ۲۵ درصد (۵۲ نفر) کمک به اقتصاد خانواده و ۱ درصد (۲ نفر) نیز به دلایل دیگر به ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین انگیزه برای اشتغال و کسب درآمد را به خود اختصاص داده‌اند. این نتایج حاکی از آن است که زنان خود نیز برای کمک به اقتصاد خانواده داوطلبانه و با میل و اراده خود مشارکت می‌کنند تا بتوانند زندگی بهتر و در رفاهی را برای خود و خانواده در کنار همسر فراهم نمایند. در خصوص عواملی که در اشتغال زنان تأثیر می‌گذارد، یا به آن مربوط است؛ نشان می‌دهد که همسران زنان

شاغل از کار کردن زنانشان رضایت دارند. دلیل این امر را شاید بتوان رایج بودن مشارکت زنان روستایی در اقتصاد خانوار و همین‌طور جدا بودن مشاغل زنانه و مردانه دانست. در مورد میزان علاقه زنان به شغلشان اکثریت رضایت داشته، که این امر نشان از انگیزه بالای زنان برای کمک به اقتصاد خانواده است. همچنین در خصوص موارد مصرف دستمزد زنان که آنان درآمدها را بیشتر صرف رفع نیازهای روزمره منزل (خرید وسایل و نیازهای منزل) می‌کنند و بعد از آن در جهت خرید مایحتاج شخصی (نیازهای شخصی خود) و رفع نیاز فرزندان و تعداد کمی هم درآمد خود را پس انداز می‌کنند. این مهم به نوعی نشان دهنده انگیزه اصلی اشتغال زنان که همان کمک به اقتصاد خانواده است، می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که زنان به‌طور معمول در همه مراحل کشاورزی (زراعت و باغداری) مشارکت دارند. اما در مرحله برداشت محصولات کشاورزی به دلیل اینکه در منطقه کار زنانه‌ای محسوب می‌شود و هم‌چنین به این دلیل که پیش‌تر در مرحله برداشت از نیروی کمکی و روزمزدی کمک می‌گیرند نیروی کار زنان در این مرحله بیش‌تر از سایر مراحل است. فعالیت زنان در زیربخش‌های دامداری بیش‌تر از سایر بخش‌هاست. زیرا زنان در خانه اغلب به تولید فراورده‌های دامی در درجه اول و بعد پرورش دام در این منطقه مبادرت دارند. عموماً تولید فراورده‌های دامی و تولید لبنیات در روستا کاری زنانه است و مسئولیت این کار با زنان است.

خوداتکایی اقتصادی خانوار

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که اشتغال زنان در خوداتکایی اقتصادی خانوارها در زمینه میزان وابستگی خانوارها به سازمان‌های حمایتی خیلی کم، میزان خرید لبنیات خیلی زیاد، میزان خرید گوشت، کم، میزان خرید آرد و گندم کم، میزان خرید فرش و خرید میوه و سبزیجات خیلی کم، و در میزان خرید علوفه

درصد زیادی تأثیر داشته است. نتایج نشان می‌دهد که این تأثیر در میزان خرید لبنیات خیلی بیشتر از سایر بخش‌ها بوده است.

جدول ۷. جدول فراوانی مربوط به میزان خوداتکایی اقتصادی خانوار

شاخص‌ها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
میزان وابستگی به سازمان‌های حمایتی	۱۶	۱۲	۱	۰	۰
میزان خرید لبنیات	۱۱	۱۸	۱۰	۵۸	۵۹
میزان خرید گوشت	۳۲	۳۳	۲۴	۳۲	۱۸
میزان خرید آرد و گندم	۱۱	۲۰	۱۰	۱۰	۱
میزان خرید فرش	۱۸	۱۴	۳	۲	۰
میزان خرید میوه و سبزیجات	۲۰	۱۴	۱	۲	۰
میزان خرید علوفه	۱۶	۱۵	۱۸	۳۴	۲

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

عوامل موثر در اشتغال زنان

در پرسشی راجع به میزان رضایت همسر از اشتغال زنان در بخش خدمات، نتایج نشان داد که میزان رضایت بسیار زیاد بوده است. همین‌طور در سنجش میزان علاقه زنان به شغلشان، میزان علاقه زیاد، در میزان افزایش درآمد خانوار بعد از اشتغال متوسط، میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانوار زیاد، میزان تأمین نیازهای اولیه زندگی از درآمد زنان زیاد، میزان علاقه به آموزش در ارتباط با شغلشان نیز زیاد بوده است.

جدول ۸. جدول فراوانی مربوط به عوامل موثر در اشتغال زنان

شاخص‌ها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
میزان رضایت همسر از فعالیت‌های غیر مرتبط با خانواده	۱	۴	۳۴	۹۰	۱۳۹
میزان علاقه شما نسبت به شغل	۰	۲۶	۵۴	۹۰	۲۹
میزان افزایش درآمد خانواده از اشتغال شما	۱۵	۵۰	۷۹	۵۱	۰
میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده	۲	۵۰	۴۶	۸۸	۹
میزان تأمین نیازهای اولیه زندگی از درآمدها	۲	۱۲	۴۸	۶۷	۵۹
میزان علاقه به آموزش در رابطه با شغل	۱۹	۱۹	۲۷	۵۸	۴۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

انگيزه اشتغال و موارد مصرف دستمزد زنان

اطلاعات به دست آمده از جدول ۹ نشان مي دهد که دليل اصلي اشتغال ۴۷ درصد (۱۰۰ نفر) از زنان در بخش مزد بگير ميل شخصي، ۲۷ درصد (۵۸ نفر) وضعيت بد مالي، ۲۵ درصد (۵۲ نفر) کمک به اقتصاد خانواده و ۱ درصد (۲ نفر) نيز به دلایل ديگر به ترتيب بيشتريين و کم ترين انگيزه براي اشتغال و کسب درآمد را به خود اختصاص داده اند. نتايج به دست آمده نشان مي دهد که بيشتريين موارد مصرف درآمد به ترتيب صرف نيازهاي روزمره منزل (منظور خريد وسايل مورد نياز براي منزل) با ۶۷ درصد (۱۳۶ نفر)، مايحتاج شخصي (منظور رفع نيازهاي خود) ۲۰ درصد (۴۱ نفر)، رفع نياز فرزندان ۸ درصد (۱۷ نفر)، پس انداز ۲ درصد (۳ نفر)، بوده است.

جدول ۹. جدول فراواني مربوط به انگيزه اشتغال و موارد مصرف دستمزد زنان

دليل اصلي اشتغال	فراواني	درصد	موارد مصرف دستمزد زنان	فراواني	درصد
ميل شخصي	۱۰۰	۴۷	نيازهاي روزمره منزل	۱۳۶	۶۷
وضعيت بد مالي	۵۸	۲۷	خريد وسايل منزل	۶	۳
کمک به اقتصاد خانواده	۵۲	۲۵	مايحتاج شخصي	۴۱	۲۰
ساير موارد	۲	۱	رفع نياز فرزندان	۱۷	۸
جمع	۲۱۲	۱۰۰	سرمايه گذاري در امر توليد	۰	۰
			پس انداز	۳	۲
			جمع	۲۰۳	۱۰۰

منبع: يافته هاي تحقيق، ۱۳۹۷

فعاليت در مراحل کشاورزي و در بخش هاي دامداري

اطلاعات حاصل از پژوهش در مورد ميزان فعاليت در هر يک از بخش هاي کشاورزي نشان مي دهد که فعاليت زنان در بخش برداشت محصولات کشاورزي با ۷۲ درصد (۱۳۰ نفر) بيشتريين از ساير بخش هاي کشاورزي است. در ساير بخش ها

به ترتیب؛ کاشت ۱۱ درصد (۲۰ نفر)، فروش محصولات ۳ درصد (۵ نفر)، داشت ۱ درصد (۲ نفر)، در طبقه بعد قرار می‌گیرند. همین‌طور ۹ درصد (۱۶ نفر) از افراد نیز در هیچ‌یک از مراحل کشاورزی مشارکت نداشته‌اند. بر طبق اطلاعات به دست آمده از جدول ۳۵، زنان در تولید فرآورده‌های دامی با ۳۴ درصد (۸۸ نفر)، بیش‌ترین فعالیت، ۲۲ درصد (۵۷ نفر) در پرورش دام، ۴ درصد (۱۰ نفر) در تعلیف دام فعالیت دارند. در ضمن ۴۱ درصد (۱۰۸ نفر) هیچ فعالیتی در این بخش نداشته‌اند.

جدول ۱۰. جدول فراوانی مربوط به میزان فعالیت در مراحل کشاورزی و بخش‌های دامداری

فعالیت در مراحل کشاورزی	فراوانی	درصد	فعالیت در بخش‌های دامداری	فراوانی	درصد
قبل از کاشت	۴	۲	پرورش دام	۵۷	۲۲
کاشت	۲۳	۱۳	تولید فرآورده‌های دامی	۸۸	۳۴
داشت	۲	۱	تعلیف دام	۱۰	۴
برداشت	۱۳	۷۲	پشم‌چینی	۰	۰
فروش محصولات	۵	۳	چرای دام	۰	۰
هیچ‌کدام	۱۶	۹	هیچ‌کدام	۱۰۸	۴۱
جمع	۱۸۰	۱۰۰	جمع	۲۶۳	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

در ادامه بررسی پژوهش بعد از تجزیه و تحلیل ویژگی‌های توصیفی پاسخگویان و سوالات مطرح شده به تجزیه و تحلیل پاسخ به سوالات مطرح شده در پژوهش از آمارهای استنباطی استفاده شده است تا مشخص شود کدام مولفه‌های بیشتر تاثیر گذار در اقتصاد خانوارها را را به دنبال داشت است و مشارکت زنان در کدام بخش اقتصاد بیشتر است. همان‌طور که جدول (۱۲) نشان می‌دهد برای بررسی تفاوت معناداری رتبه‌ای معیارهای به کار گرفته شده از دیدگاه خانوارها بهره گرفته شده است تا میزان اهمیت آنها مشخص گردد. لذا برای بررسی این موضوع از آزمون رگرسیون استفاده شده است. بر اساس نتایج آماری به دست آمده از ضریب رگرسیون، بین شاخص‌های فردی و اجتماعی (از قبیل سن، میزان تحصیلات، تعداد اعضای خانواده، شغل همسر، میزان علاقه زنان نسبت به شغلشان

و میزان رضایت همسر آنان نسبت به شغلشان) رابطه معنی داری وجود دارد. در گام اول ضریب رگرسیون $R=0/31$ و ضریب تعیین $R^2=0/097$ می باشد. از این رو می توان نتیجه گرفت که ۹ درصد از کل تغییرات میزان اشتغال زنان در رابطه با میزان علاقه زنان به شغلشان می باشد. در گام دوم ضریب رگرسیون $R=0/41$ و ضریب تعیین $R^2=0/17$ می باشد، که ۱۷ درصد از کل تغییرات میزان اشتغال زنان در رابطه با میزان علاقه زنان به شغلشان و شغل همسر آنان می باشد. در گام سوم ضریب رگرسیون $R=0/45$ و ضریب تعیین $R^2=0/21$ می باشد، از این رو ۲۱ درصد از کل تغییرات میزان اشتغال زنان در رابطه با میزان علاقه زنان به شغلشان و شغل همسر آنان و سن آنان می باشد. در گام چهارم ضریب رگرسیون $R=0/48$ و ضریب تعیین $R^2=0/23$ می باشد. از این رو می توان نتیجه گرفت که ۲۳ درصد از کل تغییرات میزان اشتغال زنان در رابطه با میزان علاقه زنان به شغلشان و شغل همسر و سن و میزان رضایت همسران آنان می باشد. از این رو می توان نتیجه گرفت که میزان علاقه زنان به شغلشان و شغل همسر و سن و میزان رضایت همسر از عوامل موثر بر میزان اشتغال زنان می باشند. یعنی زنان با علاقه و به میل خویش برای رسیدن به اهداف اقتصادی خانواده تلاش می کنند. و هم چنین شغل همسر تأثیر زیادی در انتخاب نوع شغل آنان دارد و معمولاً از شغل همسر تبعیت می کنند. نمونه مورد نظر تقریباً در سنین جوانی و اوایل میان سالی می باشند، که این خود در میزان اشتغال آنان مؤثر است و توان و انگیزه بیشتری برای کمک دارند. در ارتباط با میزان رضایت همسر، نیز نتایج نشان می دهد که همسران زنان شاغل، اغلب از اشتغال زنانشان راضی هستند و این خود عامل تأثیر گذار برای فعالیت زنان است. همچنین بر اساس نتایج آماری آزمون t مستقل در جدول ۱۲، با توجه به مقدار به دست آمده از آزمون t که برابر $0/00$ می باشد و چون این مقدار کمتر از $0/05$ است یعنی بین میانگین میزان فعالیت زنان در بخش کشاورزی و میانگین میزان فعالیت زنان در بخش غیر کشاورزی اختلاف معنی داری وجود دارد، این نشان

دهنده حضور فعال و همیشه فعال زنان دوشادوش همسرانشان در بخش کشاورزی است.

جدول ۱۱. خلاصه نتایج رگرسیون میزان اشتغال زنان براساس مشخصات فردی و اجتماعی آنان

p-value	آماره آزمون t	ضرایب رگرسیون استاندارد شده	ضرایب رگرسیون استاندارد نشده	متغیرها	
/۰۰	۱۳/۵۴	-	۱۸/۰۳	عدد ثابت	گام اول
/۰۰	-۴/۰۰	-۰/۳۱	-۱/۴۲	میزان علاقه زنان به شغلشان	
/۰۰	۱۳/۸۷	-	۲۰/۸۰	عدد ثابت	گام دوم
/۰۰	-۴/۰۴	-۰/۳۰	-۱/۳۸	میزان علاقه زنان	
/۰۰	-۳/۵۷	-۰/۲۱	-۰/۷۱	شغل همسر	
/۰۰	۸/۰۲	-	۱۶/۷۲	عدد ثابت	گام سوم
/۰۰	-۳/۷۱	-۰/۲۸	-۱/۲۵	میزان علاقه زنان به شغلشان	
۰۰۱	-۳/۲۹	-۰/۲۴	-۰/۶۹	شغل همسر	
۰۰۷	۲/۷۵	۰/۲۱	۰/۰۸۶	سن	
/۰۰	۵/۷۴	-	۱۳/۹۴	عدد ثابت	گام چهارم
/۰۰	-۴/۱۵	-۰/۳۱	-۱/۴۲	میزان علاقه زنان	
۰۰۲	-۳/۱۰	-۰/۲۲۸	-۰/۶۵	شغل همسر	
۰۱۰	۲/۵۹	۰/۱۹	۰/۰۸۰	سن	
۰۳۲	۲/۱۶	۰/۱۶	۰/۸۷	میزان رضایت همسر	

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۷

زنان در تمامی مراحل کشاورزی در کنار همسر و یا به صورت کار بر روی زمین دیگران، فعالیت می کنند و می توان گفت در بخش کشاورزی (مخصوصاً برداشت محصولات کشاورزی)، یکی از نیروهای اصلی در این بخش را تشکیل می دهند

جدول ۱۲. نتایج آزمون t نمونه های مستقل

P-value	مقدار آزمون t	میانگین	شاخص
/۰۰ ۰	۱۲/۸۹	۸/۸	میانگین میزان فعالیت زنان در بخش کشاورزی
		۳	میانگین میزان فعالیت زنان در بخش غیر کشاورزی (صنایع و خدمات)

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۷

نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین میزان اشتغال زنان و افزایش درآمد خانوارهای روستایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. مقدار به دست آمده از آزمون پیرسون برابر ۰/۰۰۲ می باشد، و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است؛ یعنی بین میزان اشتغال زنان و افزایش درآمد خانوارهای روستایی رابطه معنی داری وجود دارد. که نشان دهنده نقش قابل توجه زنان در افزایش درآمد خانوارهای روستایی است و نمی توان این نقش را نادیده گرفت و از آن صرف نظر کرد.

جدول ۱۳- نتایج آزمون پیرسن

p-value	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۲	۰/۲۲۰	افزایش درآمد خانوارهای روستایی	میزان اشتغال زنان

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۷

مقدار p-value به دست آمده از آزمون اسپیرمن برابر ۰/۰۰۳ می باشد، چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است و این یعنی بین میزان اشتغال زنان و افزایش میزان خوداتکایی اقتصادی خانوارهای روستایی رابطه معنی داری وجود دارد. به این معنا است که اشتغال زنان باعث کمتر شدن نیازهای مصرفی خانوار به بازار و تأمین این نیازها توسط زنان و هم چنین کمتر شدن نیاز به حمایت سازمان های دولتی از قبیل کمیته امداد، بهزیستی و غیره می باشد و این تا حدودی نشان دهنده استقلال خانواده و کمتر شدن نیاز به کمک های دیگران، به واسطه فعالیت های زنان روستایی است.

جدول ۱۴. نتایج آزمون اسپیرمن

p-value	ضریب همبستگی اسپیرمن	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۳	۰/۱۷۲	افزایش میزان خوداتکایی اقتصادی خانوارهای روستایی	میزان اشتغال زنان

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۷

نتیجه گیری و پیشنهادات

نیروی کار فعال به عنوان عامل کلیدی رشد و توسعه اقتصادی در عصر مدرن شناخته شده و موجب بهرهمندی و توسعه جوامع و کشور می شوند. فعالیت زنان روستایی به عنوان مولد تولید و نیروی کار همواره یکی از مباحث مورد توجه در زمینه توسعه اقتصادی جوامع روستایی به شمار می رود. بدیهی است حضور زنان در کنار مردان و کار آنان در انجام امور خانه و خانواده بر کسی پوشیده نیست و به این ترتیب می توان گفت که تاریخ اشتغال زنان روستایی از آغاز زندگی اجتماعی انسان بر روی زمین بوده است. یکی از عوامل بسیار مهم در سنجش موقعیت زنان روستایی در بخش های اقتصادی، توان اشتغالزایی آن بخش است. در روند تولیدات کشاورزی در جامعه روستایی، زنان روستایی به عنوان عامل انسانی پیوسته نقشی تعیین کننده دارند. این نقش با توجه به نوع فعالیت (زراعی، صنایع دستی و...) به شکل نیروی فکری و ذوقی و به صورت نیروی بدنی در ساخت و شکل گیری فرآورده های گوناگون این رشته نمایان می شود. در واقع مشارکت زنان روستایی در زمینه های مختلف اقتصادی مقوله بسیار مهمی در افزایش درآمد خانوارهای روستایی و همچنین دستیابی به توسعه واقعی است. یافته های تحقیق نشان می دهد که زنان روستایی علاوه بر انجام کارهای خانه داری به فعالیت های کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، خرید نیازهای خانواده، تربیت فرزندان و ... نیز می پردازند. به طوری که با حذف نقش زنان عملاً در محیط های روستایی قادر به فعالیت و ادامه زندگی نمی باشند. نقش پنهان زنان در منطقه مورد مطالعه زمانی نمود بیشتری پیدا می کند که بین سرشماری های رسمی، از جمله؛ سرشماری مرکز آمار ایران در مورد فعالیت و اشتغال زنان منطقه (۳/۹ درصد)، یافته های پژوهش (حدود ۷۰ درصد)، اختلاف قابل توجهی وجود دارد. که حاکی

از پنهان بودن نقش زنان است و نیازمند توجه جدی و حمایت از این زنان می‌باشد. بنابراین نتایج این تحقیق را می‌توان با یافته‌های تحقیقات دیگران از جمله هاشمی (۱۳۷۴)، لاریجانی و شعبانی نژاد (۱۳۸۹)، توسلی و سعیدی (۱۳۹۰)، احمدی و روستا (۱۳۹۰)، تاج و هاشمی (۱۳۹۱)، نوری و همکاران (۱۳۹۲) مقایسه کرد، نتایج آنها نشان داد که رابطه‌ای مثبت و مستقیم میان موقعیت زنان و توسعه یافتگی کشور وجود دارد و مشارکت زنان به عنوان نیمی از نیروهای فعال جامعه در فعالیتهای اقتصادی به تحقق توسعه و عدالت اجتماعی منجر شده است و زمینه را برای توسعه و کسب و کارهای اقتصادی برای تداوم اشتغال مؤثر و مفید در کسب و کار شده است. بنابراین می‌توان اذغان کرد که نتایج پژوهش حاضر از اعتبار لازم برخوردار است و نتایج آن را می‌توان به سایر مناطق مشابه تعمیم داد. در مجموع با استناد به نتایج پژوهش حاضر و همسوی آن با مطالعات صورت گرفته با سایر پژوهشگران داخلی می‌توان چنین عنوان کرد که پژوهش حاضر دارای اعتبار قابل توجهی بوده و تاییدکننده را راستای حمایت فعالیت‌های زنان در منطقه مورد مطالعه و سایر مناطق مشابه است. لذا با توجه به نقش زنان و اشتغال ایشان در اقتصاد خانوار و به تبع آن در اقتصاد جامعه و فرایند توسعه روستایی و اهمیت انکار ناپذیر حضور زنان در جامعه روستایی و بر اساس یافته‌های تحقیق در محدوده مورد مطالعه و با در نظر داشتن شناخت حاصله از نوع اشتغال و فعالیت‌های زنان روستایی و عوامل تأثیرگذار بر آن، موارد ذیل به عنوان پیشنهادات عملی و قابل حصول عنوان می‌گردد.

۱- از آنجایی که زنان جامعه مورد مطالعه اکثراً بی‌سواد (۵۳ درصد)، یا دارای سواد ابتدایی هستند (۴۷ درصد) در نتیجه کمتر با تکنولوژی‌های جدید و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای آشنایی دارند، لذا باید آموزش‌هایی در جهت سوادآموزی و آموزش‌های کاربردی مانند: تکنولوژی‌های جدید، خانه‌داری، صنایع دستی و... و آگاهی زنان از حقوق و توانمندی‌های خود، همچنین تقویت روحیه خودباوری و اعتماد به نفس زنان روستایی و شناساندن اهمیت فعالیت‌های اقتصادی آنان از طریق آموزش تلاش شود.

۲- با توجه به این که زنان این ناحیه در بخش صنایع دستی هم فعالیت‌هایی دارند و محصولات خود را در بازارچه مرزی به فروش می‌رسانند، بهتر است دولت با برگزاری نمایشگاه‌های سالانه و تشویق زنان هنرمند و همچنین بهره‌گیری از این زنان برای آموزش به سایر افراد، اعطای وام و تسهیلات بانکی، وام‌های خودکفایی و خود اشتغالی، از این زنان هنرمند حمایت نماید. ۳- از آنجا که بیش از نیمی از زنان این ناحیه برای آموزش در ارتباط با شغلشان علاقه زیادی نشان داده‌اند، لذا بهتر است با برگزاری کلاس‌های آموزشی مرتبط با حرفه آنان و همین‌طور با ایجاد اشتغال جدید و کارآفرینی در جهت شکوفایی استعداد این زنان و افزایش سطح دانایی و مهارت، فقر زدایی اطلاعاتی و همچنین فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت فزاینده برای این زنان کوشید.

منابع

- ۱- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۹). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران. انتشارات اطلاعات، تهران.
- ۲- دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، دوره ۵، شماره ۲۱ و ۲۲، صص ۵۳-۳۳
- ۳- روشن نیا، داود، خادمی، رقیه، کردی، لیلا و صافی فام اصل، ژیل (۱۳۹۴)، بررسی نقش زنان روستایی در توسعه و موانع و محدودیت‌های آنان، مجله کار و جامعه، شماره ۱۹۰، صص ۹۸-۸۲
- ۴- شکوری، علی (۱۳۷۰). پژوهشی در توسعه و نابرابری در مناطق روستایی. پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۱. پایپ ۸۶۸، صص ۶۹-۵۳۰.
- ۵- علویون، محمدرضا (۱۳۸۱). کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین‌المللی کار. روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
- ۶- علی حسینی، علی. و نظری، مینا (۱۳۹۵)، بررسی مشارکت سیاسی زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، دوره ۷، شماره ۲۱، صص ۷-۲۱.
- ۷- غفاری، سید رامین (۱۳۹۲)، کارکرد اقتصادی زنان روستایی در فرایند توسعه پایدار، مطالعه موردی: استان چهارمحال و بختیاری، مجله سپهر، دوره ۲۲، شماره ۸۶، صص ۴۲-۳۵.

- ۸- فرجی سبکبار، حسن، هاجری، بهرام، ترابی، ذبیح اله و ملایی، نادر (۱۳۹۵)، تحلیل فضایی الگوی اشتغال زنان در بخش های عمده فعالیت سکونتگاه های روستایی ایران، مجله برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، سال ۱۱، شماره ۳۴، صص ۳۱-۱۷.
- ۹- گرت، استفانی (۱۳۷۹)، جامعه شناسی جنسیت، ترجمه، کتابون بقاییر، تهران
- ۱۰- مقنی زاده، محمدحسن (۱۳۸۰). سازمان های غیردولتی نهادی برای سازماندهی مشارکت در جامعه مدنی. مجموعه مقالات نقش و جایگاه سازمانهای غیردولتی در عرصه فعالیت های ملی و بین المللی تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، تهران.
- ۱۱- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۱). مسأله ی زن، اسلام و فمینیسم (در دفاع از حقوق زنان). نشر برگ زیتون، تهران.
- ۱۲- نوری، سید هدایت الله؛ جمینی، داود و جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۲)، تحلیل فضایی شاخصهای همدع اشتغال زنان در کشور، مطالعات اجتماعی- روان شناختی زنان، سال ۱۱، شماره ۳، صص ۱۰۲-۸۱.
- ۱۳- وثوقی، منصور (۱۳۸۴). جامعه شناسی روستایی. انتشارات کیهان، تهران.
- ۱۴- یعقوبی فرانی، احمد و جلیلیان، سارا (۱۳۹۳)، اثرات اقتصادی و اجتماعی مشاغل خانگی زنان روستایی در شهرستان اسلام آباد غرب، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۲، پیاپی ۱۲، صص ۱۱۳-۹۳.
1. ILO.(1976). *International Recommendations On Lab our Statistic*. Geneva:ILO.
 2. UNDP(2007) " *Human Development Report 2007*. oxford university press, New York.